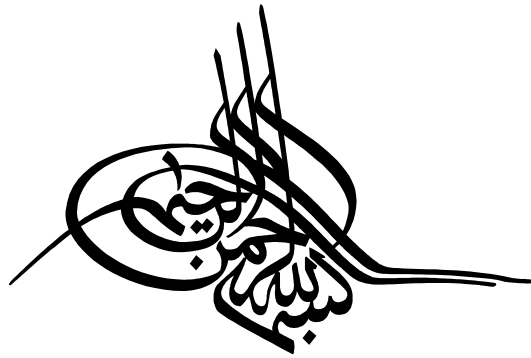




مفاهیم حوزه‌های مختلف جامعه‌شناسی

سری کتاب‌های کمک آموزشی کارشناسی ارشد

مجموعه علوم اجتماعی

مؤلفان : اصغر کاظمی – مریم امینی یخدانی

سرشناسه	: کاظمی، اصغر
عنوان	: مفاهیم حوزه‌های مختلف جامعه‌شناسی
مشخصات نشر	: تهران : مشاوران صعود ماهان، ۱۴۰۴
مشخصات ظاهری	: ۴۲۵ ص
فروست	: سری کتاب‌های کمک آموزشی کارشناسی ارشد
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۳۸۹-۱۳۲-۶
وضعیت فهرست نویسی	: فیپای مختصر
یادداشت	: این مدرک در آدرس http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است.
شناسه افزوده	: امینی‌خدانی، مریم
رده دیویی	: ۳۷۸/۱۶۶۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۸۹۲۱۴۵



نام کتاب: مفاهیم حوزه‌های مختلف جامعه‌شناسی
مدیر مسئول: دکتر مجید سیاری
مولفان: اصغر کاظمی، مریم امینی‌خدانی
ناشر: مشاوران صعود ماهان
برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تالیف: سمیه بیگی
نوبت و تاریخ چاپ: دوم / ۱۴۰۴
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
قیمت: ۶/۷۰۰/۰۰۰ ریال
شابک: ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۳۸۹-۱۳۲-۶

انتشارات مشاوران صعود ماهان: خیابان ولیعصر، بالاتر از تقاطع مطهری،
روبروی قنادی هتل بزرگ تهران، جنب بانک ملی، پلاک ۲۵۰
تلفن: ۸۸۱۰۰۱۱۳-۴

سخن ناشر

«ن والقلم و ما یسطرون»

کلمه نزد خدا بود و خدا آن را با قلم بر ما نازل کرد.

به پاس تشکر از چنین موهبت الهی، موسسه ماهان درصدد برآمده است تا در راستای انتقال دانش و مفاهیم با کمک اساتید مجرب و مجموعه کتب آموزشی خود برای شما داوطلبان ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد گام موثری بردارد. امید است تلاش‌های خدمتگزاران شما در این موسسه پایه‌گذار گام‌های بلند فردای شما باشد. مجموعه کتاب‌های کمک آموزشی ماهان به‌منظور استفاده داوطلبان کنکور کارشناسی ارشد سراسری و آزاد تالیف شده‌اند. در این کتاب‌ها سعی کرده‌ایم با بهره‌گیری از تجربه اساتید بزرگ و کتب معتبر، داوطلبان را از مطالعه کتاب‌های متعدد در هر درس بی‌نیاز کنیم.

بدین‌وسیله از مجموعه اساتید، مولفان و همکاران محترم خانواده بزرگ ماهان که در تولید و به‌روزرسانی تالیفات ماهان نقش موثری داشته‌اند، صمیمانه تقدیر و تشکر می‌نماییم. دانشجویان عزیز و اساتید محترم می‌توانند هرگونه انتقاد و پیشنهاد درخصوص تالیفات ماهان را از طریق سایت ماهان به آدرس mahan.ac.ir با ما در میان بگذارند.

موسسه آموزش عالی آزاد ماهان

سخن مؤلف

به نام آنکه جان را فکرت آموخت چراغ دل به نور جان برافروخت

خواننده محترم؛ کتابی را که در پیش‌رو دارید حاصل مطالعه کتاب‌ها و جزوه‌های اساتید معتبر دانشگاه‌های کشور می‌باشد، که از سال ۱۳۸۵ تاکنون بارها به مطالب این کتاب افزوده و تغییرات مثمرثمری را تجربه نموده است که از این تغییرات می‌توان به افزوده‌شدن مطالب کتاب‌های جدید منتشره، سوالات تألیفی و... اشاره داشت. همان‌طور که با مطالعه این کتاب درخواهید یافت اغلب مطالب کتاب خلاصه و جمع‌بندی کتب و جزوات مربوطه، بدین‌صورت که (در اغلب فصول) در ابتدا شرح کلی هریک از حوزه‌های جامعه‌شناسی آورده شده و در ادامه به بیان نکته‌های قابل توجه و در نهایت سوالات تألیفی و کنکوری پرداخته شده است.

دوستان گرامی تمامی سرفصل‌های کتاب مهم بوده و خواندن چندباره برخی از فصل‌ها مهم‌تر از برخی فصل‌های دیگر است که پیشنهاد دارم با نگاهی به سوالات کنکوری چند سال قبل خودتان پیش‌بینی نمایید که چه حوزه‌ای بیشتر از سایر حوزه‌ها موردتوجه اساتید طراح سوال می‌باشد. از این‌رو حوزه خاصی را برای مطالعه بیشتر پیشنهاد نمی‌کنم. شایان ذکر است کتاب حاضر مبتنی بر آخرین سرفصل‌های کنکور می‌باشد که تا حد امکان تلاش شده تا حداقل دانشجویان با کتاب‌های جدید حوزه‌های جامعه‌شناسی آشنا شده و به مطالعه این کتب بپردازد. در نهایت آخرین توصیه به‌منظور مطالعه هدفمند این کتاب این است که حتماً و حتماً خودتان را در حوزه «نظریه‌های جامعه‌شناسی» پربار نمایید چرا که تجربه کنکور سال‌های قبل نشان داده است که افراد قوی در زمینه «نظریه‌های جامعه‌شناسی» به راحتی قادر به درک مطالب حوزه‌های جامعه‌شناسی و در نتیجه موفقیت در پاسخ به سوالات حوزه‌ها می‌باشند.

اصغر کاظمی

فهرست

صفحه	عنوان
۱۱	فصل اول: مبانی جامعه‌شناسی
۱۲	تعریف جامعه‌شناسان از مفهوم جامعه انسانی
۱۳	تعریف موضوع و قلمرو علم جامعه‌شناسی
۱۴	مفهوم فرهنگ
۱۸	پایگاه و نقش
۱۸	نقش‌های نمونه
۲۰	جامعه‌پذیری یا اجتماعی‌شدن
۲۷	سوالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل اول
۲۹	فصل دوم: جامعه‌شناسی خانواده
۳۰	خانواده
۳۰	خانوار
۳۰	کلان
۳۳	تعریف ازدواج
۳۵	نظام‌های خویشاوندی
۳۵	برون همسری - درون همسری
۳۶	سوالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل دوم
۳۹	فصل سوم: جامعه‌شناسی انحرافات
۴۰	آسیب‌شناسی اجتماعی
۴۱	کجروی
۴۹	انواع کجروی
۵۱	مسئله اجتماعی
۶۰	فصل چهارم: روان‌شناسی اجتماعی
۶۱	موضوعات مطرح شده در روان‌شناسی اجتماعی
۶۲	حوزه‌های عمده نظری در روان‌شناسی اجتماعی
۷۰	نظریه‌های فستینگر (مقایسه اجتماعی، ناموزونی شناختی)
۷۲	تعیین‌کنندگی روانی
۷۷	تکنولوژی رفتاری
۸۲	شخصیت
۸۵	سوالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل چهارم
۸۷	فصل پنجم: جامعه‌شناسی سیاسی

۸۹	مفاهیم جامعه‌شناسی سیاسی
۸۹	چارچوب‌های نظری در جامعه‌شناسی سیاسی
۹۸	انواع رژیم‌های سیاسی (دموکراسی، لیبرالیسم، فاشیسم)
۱۰۱	سوالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل پنجم
۱۰۸	فصل ششم: جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌ها
۱۱۰	قشربندی اجتماعی
۱۱۱	پایگاه اجتماعی
۱۱۲	نقش اجتماعی
۱۱۲	طبقه اجتماعی
۱۱۴	نظریه‌های قشربندی اجتماعی
۱۱۵	طبقه اجتماعی از دیدگاه غیرمارکسیست‌ها
۱۱۹	دیدگاه‌های جدید در خصوص قشربندی اجتماعی
۱۲۰	نظریه تلفیقی
۱۲۴	سوالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل ششم
۱۲۸	فصل هفتم: تغییرات اجتماعی
۱۳۱	جامعه و تغییر
۱۳۱	تغییرات اجتماعی
۱۳۲	تحرک اجتماعی
۱۳۴	آثار اجتماعی تحرک اجتماعی ساختاری
۱۴۳	نظریه‌های دگرگونی اجتماعی
۱۵۴	جهانی‌شدن
۱۵۶	سوالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل هفتم
۱۶۷	فصل هشتم: جامعه‌شناسی انقلاب
۱۶۹	اهداف جامعه‌شناسی انقلاب
۱۷۱	انواع انقلاب
۱۷۲	نظریه انقلاب
۱۷۵	نظریه‌های گزینش عقلانی
۱۸۳	سوالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل هشتم
۱۸۷	فصل نهم: جامعه‌شناسی ادبیات
۱۸۸	تاریخچه ادبیات و جامعه‌شناسی ادبیات
۱۸۹	نویسنده در جامعه
۱۹۰	گروه فرهیختگان
۱۹۲	سوالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل نهم
۱۹۵	فصل دهم: حوزه جامعه‌شناسی پزشکی
۱۹۶	تعاریف رایج در جامعه‌شناسی پزشکی
۱۹۹	نظریه‌های جامعه‌شناختی در جامعه‌شناسی پزشکی
۲۰۴	مقابله با بیماری
۲۰۴	مدل‌های رابطه پزشک با بیمار

۲۱۰.....	سوالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل دهم.....
۲۱۳.....	فصل یازدهم: جامعه‌شناسی توسعه.....
۲۱۵.....	مفاهیم توسعه.....
۲۱۸.....	نوسازی.....
۲۲۱.....	بسترهای تحول و تغییر در کشورهای در حال توسعه.....
۲۲۶.....	دیدگاه نوسازی.....
۲۲۸.....	حوزه نظریه‌های نوسازی اجتماعی.....
۲۳۰.....	حوزه نظریه‌های نوسازی روانی.....
۲۳۱.....	حوزه نظریه‌های نوسازی اقتصادی.....
۲۳۴.....	دیدگاه وابستگی و نظام جهانی.....
۲۳۷.....	سوالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل یازدهم.....
۲۴۶.....	فصل دوازدهم: جامعه‌شناسی روستایی.....
۲۴۷.....	موضوع جامعه‌شناسی روستایی.....
۲۴۷.....	ریخت‌شناسی روستایی (مورفولوژی).....
۲۴۹.....	ساخت جمعیت روستایی و حرکات آن.....
۲۴۹.....	انواع مهاجرت‌های روستایی.....
۲۵۱.....	ویژگی‌های خانواده روستایی در ایران.....
۲۵۴.....	قشرهای اجتماعی در جامعه روستایی ایران.....
۲۵۶.....	تحول در ساخت ارضی جوامع روستایی.....
۲۵۹.....	موانع اجتماعی و فرهنگی توسعه روستایی.....
۲۶۰.....	توسعه روستایی.....
۲۶۴.....	سوالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل دوازدهم.....
۲۷۱.....	فصل سیزدهم: جامعه‌شناسی شهری.....
۲۷۳.....	ظهور جامعه‌شناسی شهری.....
۲۷۴.....	مفهوم شهر.....
۲۷۷.....	ریخت‌شناسی شهر.....
۲۷۷.....	نظریه‌های ارائه شده در مورد پیدایش شهر.....
۲۷۸.....	بوم‌شناسی شهری (اکولوژی).....
۲۷۹.....	روش زندگی شهر.....
۲۸۱.....	فرایندهای اکولوژیکی در زندگی شهری.....
۲۸۱.....	دیدگاه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی شهری.....
۲۸۸.....	فرایندهای اجتماعی از دیدگاه متفکران معاصر.....
۲۹۰.....	سوالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل سیزدهم.....
۲۹۶.....	فصل چهاردهم: جامعه‌شناسی صنعتی.....
۲۹۷.....	انواع جوامع.....
۲۹۸.....	قرون وسطی و ویژگی‌های آن.....
۲۹۹.....	عصر انقلابات کبیر.....
۳۰۱.....	اعتصاب در کشورهای صنعتی.....

۳۰۲.....	نهادهای اجتماعی و فرهنگی جامعه صنعتی.....
۳۰۳.....	نهادهای سیاسی جامعه صنعتی.....
۳۰۷.....	سوالات چهار گزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل چهاردهم.....
۳۱۰.....	فصل پانزدهم: جامعه‌شناسی سازمان‌ها.....
۳۱۱.....	تعریف سازمان.....
۳۱۲.....	ظهور سازمان عقلانی.....
۳۱۳.....	مراحل گسترش سازمان کارخانه‌ای.....
۳۱۴.....	نظریه‌های سازمان.....
۳۱۶.....	انواع سازمان.....
۳۲۱.....	تجزیه و تحلیل سازمان به‌عنوان سیستم اجتماعی.....
۳۲۲.....	فرهنگ و نقش آن در جوامع و سازمان‌ها.....
۳۲۳.....	سوالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل پانزدهم.....
۳۲۷.....	فصل شانزدهم: جامعه‌شناسی کار و شغل.....
۳۲۹.....	تعریف جامعه‌شناسی کار.....
۳۳۰.....	رابطه جامعه‌شناسی کار با سایر علوم.....
۳۳۲.....	نظریه از خود بیگانگی.....
۳۳۴.....	روان‌شناسی اجتماعی کار صنعتی.....
۳۳۹.....	سوالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل شانزدهم.....
۳۴۴.....	فصل هفدهم: جامعه‌شناسی ارتباطات.....
۳۴۵.....	ارتباط اجتماعی.....
۳۴۵.....	انواع ارتباط اجتماعی.....
۳۴۶.....	عناصر ارتباط اجتماعی.....
۳۴۶.....	صاحب‌نظران ارتباط اجتماعی.....
۳۵۱.....	سوالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل هفدهم.....
۳۵۴.....	فصل هجدهم: جامعه‌شناسی آموزش و پرورش.....
۳۵۵.....	جامعه و آموزش و پرورش.....
۳۵۵.....	کارکردهای آموزش و پرورش.....
۳۵۸.....	نظریه‌های کلاسیک در جامعه‌شناسی آموزش و پرورش.....
۳۶۳.....	نظریه‌های معاصر در جامعه‌شناسی آموزش و پرورش.....
۳۶۶.....	جامعه‌شناسی معرفت.....
۳۶۸.....	سوالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل هجدهم.....
۳۷۲.....	سوالات و پاسخ کنکور سراسری ۹۶ الی ۱۴۰۴.....
۴۲۵.....	منابع.....

فصل اول

مبانی جامعه‌شناسی

- تعریف جامعه‌شناسان از مفهوم جامعه انسانی
- تعریف موضوع و قلمرو علم جامعه‌شناسی
- فرهنگ
- پایگاه و نقش
- جامعه‌پذیری یا اجتماعی شدن

مبانی جامعه‌شناسی

واژه جامعه‌شناسی (Sociology) برای اولین بار به وسیله آگوست کنت فرانسوی، در کتاب «فلسفه اثباتی» به کار برده شد. کنت به عنوان بنیان‌گذار علم جامعه‌شناسی، معتقد بود که جامعه‌شناسی باید بر پایه مشاهده منظم و طبقه‌بندی استوار شود.

جامعه‌شناسی مانند علوم اجتماعی دیگر نسبت به علوم طبیعی دقت کمتری دارد، چون:

۱- روش علمی به تازگی در بررسی رفتار اجتماعی به کار گرفته می‌شود.

۲- در برخورد با موضوعات انسانی مسائل بسیاری مطرح هستند که در بررسی فیزیک یا زمین‌شناسی وجود ندارد، بنابراین پدیده‌های انسانی پیچیده‌تر از پدیده‌های طبیعی بوده و بررسی آن‌ها سخت‌تر است.

در کاربرد روش علمی برای جامعه‌شناسی باید شرایط زیر را در نظر داشت:

۱- **شواهد تحقیق‌پذیر:** تحقیق علمی به مشاهداتی عینی و واقعی نیاز دارد که بتوان صحت و سقم آن‌ها را آزمود. بنابراین مسائلی مانند حدوث یا قدوم عالم و دیگر مباحث مابعدالطبیعی در تحقیق علمی جامعه‌شناختی جایی ندارد.

۲- **پرهیز از طرح حقایق مطلق:** علم، هیچ حقیقت مطلقی را بر نمی‌تابد و حقیقت همیشه باید پذیرای تجدیدنظر باشد.

۳- **بی‌طرفی اخلاقی:** جامعه‌شناس نباید ارزش‌های شخصی‌اش را در انجام تحقیق حرفه‌ای دخالت دهد.

۴- **عینیت:** جامعه‌شناس باید درباره موضوع مورد بررسی‌اش از پیش‌انگاره‌ها بپرهیزد.

۵- **استفاده از روش‌های بررسی دقیق و استاندارد شده**

۶- **مهارت حرفه‌ای**

۷- **شرایط کنترل‌شده:** باید همه متغیرهای مهم، به استثنای یک متغیر که باید آزمایش شود، تحت کنترل باشند.

پیش از آنکه، جامعه‌شناسی به یک رشته علمی تبدیل گردد، جامعه اروپایی بر اثر انقلاب صنعتی و آغاز شهرنشینی، دستخوش دگرگونی‌های بزرگی شده بود. عوامل ایجادکننده این دگرگونی‌ها موضوع‌های مورد بررسی جامعه‌شناسان اولیه بود. موضوعاتی مثل فقر، جمعیت، بزهکاری و از هم‌پاشیدن بسیاری از سنت‌ها.

تعریف جامعه‌شناسان از مفهوم جامعه انسانی

برخی از متفکران، جامعه انسانی را با بدن انسان مقایسه کرده‌اند. ریشه این تفکر را باید در یونان باستان و در اندیشه ارسطو جست‌وجو کرد، چرا که وی جامعه را به موجودی زنده تشبیه می‌کند.

اسپینسر، فیلسوف انگلیسی، نیز عقیده دارد که هم جامعه و هم بدن انسان تابع اصل تکامل هستند؛ وی سیستم عصبی بدن انسان را با نظام ارتباطات جامعه مقایسه کرده است.

آگوست کنت، جامعه را مرکب از افراد زنده و مرده می‌دانست؛ مردگان با تاثیری که در ذهن اخلاف خویش می‌گذارند به حیات خود ادامه می‌دهند. از نظر کنت جامعه همانند کاروانی از انسان‌های گذشته و معاصر که در راه ترقی تعالی سیر می‌کنند، می‌باشد.

امیل دورکیم جامعه را موجودی زنده می‌شمارد و معتقد است همچنان که هر جانداری فقط از اجتماع ساده سلول‌های به‌وجود نیامده و دارای حس عمومی و حیات است، جامعه نیز تنها از گرد آمدن ساده افراد تشکیل نشده بلکه دارای وجدان و روح جمعی است. وی مطالعه حالات روحی و عاطفی را موضوع علم جامعه‌شناسی می‌داندست. مرتضی مطهری در کتاب «جامعه و تاریخ» جامعه را چنین تعریف می‌کند: «جامعه عبارت است از مجموعه‌ای از انسان‌ها که در جبر یک سلسله نیازها و تحت نفوذ یک سلسله عقاید و ایده‌ها و آرمان‌ها، در یکدیگر ادغام شده و در یک زندگی مشترک غوطه‌ورند.»
آلن بیرو ویژگی‌های اساسی جامعه را به‌قرار زیر بر می‌شمارد:

- ۱- **عمومیت:** یعنی افراد واقع در هر دو جنس و تمامی سنین را، به‌عنوان یک واحد معنی‌دار در سازمان هستی، دربر می‌گیرد.
 - ۲- **تداوم و استمرار:** یعنی طول عمر جامعه از طول عمر هر یک از افراد آن فراتر می‌رود.
 - ۳- **مشارکت کم‌وبیش فعالانه:** یعنی هریک از افراد، ضمن آن‌که نقش فعالی را در جامعه ایفا می‌کند، از مزایای حیات جمعی نیز سهم می‌برد.
 - ۴- **هر جامعه یک واحد عملیاتی یکپارچه** است که افراد باید در درون آن جذب‌شده و در برابر قوانین مربوط به جریان امور، در جامعه خاضع باشند.
 - ۵- **وجود تمایزات و تفاوت‌های درونی** که درنهایت، هدف آن رفع نیازهای مختلف اعضای جامعه به بهترین وجه است.
- فردیناند تونیس، جامعه‌شناس آلمانی، بین اجتماع (Community) و جامعه (Society) تمایز قائل شده است. به عقیده تونیس، کشش‌هایی که افراد را در "اجتماع" به یکدیگر پیوند می‌دهد از نوع کشش‌های طبیعی مبتنی بر عاطفه و صمیمیت است. درحالی‌که در "جامعه" کشش‌های سنجیده و حساب‌شده مبتنی بر روابط مادی و نیازهای متقابل اقتصادی، افراد را به یکدیگر پیوند می‌دهد. مصداق اجتماع، خانواده، دهکده، گروه دوستان، جامعه ایلی، طایفه و... است و مصداق جامعه، شهرهای صنعتی، شرکت‌های تجاری، احزاب سیاسی و ... می‌باشد.

تعریف موضوع و قلمرو علم جامعه‌شناسی

آگوست کنت، جامعه‌شناسی را علمی می‌داند که پدیده‌های اجتماعی را با روش علمی مورد بررسی قرار می‌دهد. به‌عقیده او، به جای خیال‌پردازی و فلسفه‌بافی درباره امور اجتماعی، باید به‌همان روش علوم طبیعی که مبتنی بر مشاهده، آزمایش و تجربه است توسل جست. امیل دورکیم، با کاربرد افکار فلسفی در جامعه‌شناسی مخالف بوده و عقیده داشت که امر اجتماعی را جز با امر اجتماعی دیگر نمی‌توان تبیین کرد. به نظر او، امور اجتماعی را باید مانند اشیا کرده و مانند اشیا بررسی کرد. وی در تعریف جامعه‌شناسی می‌گوید: «جامعه‌شناسی علم به‌نهادهای اجتماعی است».

گورویچ می‌گوید: «جامعه‌شناسی علمی است که پدیده‌های اجتماعی را در همه سطوح و با درنظر گرفتن تحولات آنها، و نیز گروه‌های کوچک و جوامع بزرگ را از نظر سیر تکوینی و اضمحلال آن‌ها، مورد مطالعه قرار می‌دهد.»

موضوع علم جامعه‌شناسی پدیده اجتماعی است که از زندگی اجتماعی نشأت می‌گیرد، در جامعه به‌وجود می‌آید، موجودیت مستقل دارد و تغییر و تحول می‌یابد. در زبان جامعه‌شناسی پدیده اجتماعی به هر واقعیت اجتماعی اطلاق می‌شود که برای همه آشکار بوده و عینی و ملموس باشد. مهم‌ترین پدیده‌های اجتماعی عبارتند از: سازمان‌ها، نهادها، هنر، ادبیات، و آداب و رسوم، سنت‌ها، آموزش و پرورش و ... که هر فرد آنها را در خارج از خود می‌یابد.

آگوست کنت امور اجتماعی را به دو دسته تقسیم می‌کند: امور سکونی و امور حرکتی. امور سکونی اموری هستند که در زمان معینی قرار دارند و امور حرکتی، اموری هستند که در جریان و حرکت در طول زمان می‌باشند. مطالعه امور اجتماعی را در یک زمان و مکان و در یک جامعه، "استاتیک"، و مطالعه امور در طول تاریخ را مطالعه "دینامیک" می‌نامند.

مفهوم فرهنگ

به مجموعه فنون، هنرها، ساخته‌های دست بشری و آثار دیگری که فکر و رفتار انسان را نشان می‌دهند و به صورت یک نظام کامل و همه‌جانبه جلوه‌گر می‌شود، فرهنگ اطلاق می‌شود. از این دیدگاه، می‌توان گفت یکی از ویژگی‌های نوع انسان، داشتن فرهنگ است که در هیچ اجتماع حیوانی نمی‌توان نظیر آن را ملاحظه کرد.

فرهنگ به یک معنا، شامل کلیه آثار مادی و معنوی است که در جوامع بشری بروز و ظهور کرده، در طول تاریخ انسان به وجود آمده و باقی مانده است به علاوه، فرهنگ نه فقط «سازمان اجتماعی» جوامع را می‌سازد بلکه بر کلیه اعمال و رفتارهای هر جامعه ناظر است. سطح فرهنگ هر جامعه مستقیماً با پیشرفت علوم و فنون و دانش‌ها و حیات دینی و معنوی جوامع بشری در ارتباط است.

جامعه‌شناسی

جامعه‌شناسی را می‌توان مطالعه علمی زندگی گروهی انسان‌ها تعریف کرد. از آن‌جا که اصطلاح جامعه‌شناسی و جامعه‌شناس اغلب نادرست به کار می‌روند لازم است یادآور شویم که چه چیزهایی جامعه‌شناسی «نیستند» جامعه‌شناسی به عنوان یک رشته علمی، غیر از فلسفه اجتماعی است. فلسفه اجتماعی، نظام ارزش‌هایی است که به ما می‌گوید: یک گروه از مردمان چگونه باید جامعه خود را سازمان بخشند و به چه صورتی باید رفتار کنند. درحالی‌که جامعه‌شناسان، سعی دارند تا نحوه زندگی و کنش متقابل در گروه‌های انسانی را به طور کلی و هرچه عینی‌تر که درضمن با موازین علمی هم سازگار باشند، توصیف و تشریح کنند. یکی از اهداف مهم جامعه‌شناسی، پیش‌بینی و کنترل رفتارهاست. جامعه‌شناسان با پیش‌بینی روند رفتارهای گروهی، می‌توانند به طرح‌ها و برنامه‌های رسمی دولت برای آینده کمک کنند. همچنین مطالعه جامعه‌شناسی به ما کمک می‌کند که با کاهش پیش‌داوری‌ها و احکام برآمده از تصورات قالبی، رفتار خود را با انعطاف بیشتری با موقعیت‌های جدید تطبیق دهیم. سرانجام، مطالعه جامعه‌شناسی، انسان را مهیا می‌کند که شیوه‌های تازه‌ای را برای مشاهده چهره متغیر واقعیت‌های اجتماعی و واکنش مناسب نسبت به آن جست‌وجو کند.

جامعه‌شناسی به مثابه یک علم

جامعه‌شناسی، همانند دیگر علوم اجتماعی و در مقایسه با بسیاری از رشته‌های علوم طبیعی، دقت علمی کمتری دارد، این امر دو دلیل اساسی دارد: نخست، باید دانست که روش‌های علمی در مطالعه رفتارهای اجتماعی به تازگی به کار گرفته شده‌اند. دوم آنکه، وقتی با موضوعات انسانی سروکار داریم با مسائل فراوانی روبه‌رو می‌شویم که کمتر در مطالعه فیزیک یا زمین‌شناسی حضور دارند. افراد، رفتارهای خود را پیوسته تغییر می‌دهند و این امر ممکن است روابط آن‌ها را با یکدیگر و نیز با دانش‌پژوهانی که می‌خواهند این رفتارها را مطالعه کنند، دچار تغییر کند.

جامعه‌شناسی محض و کاربردی

جامعه‌شناسی محض، جست‌وجوی دانش است، بی‌آنکه متعرض چگونگی کاربردهای این شناخت گردد. جامعه‌شناسی کاربردی، بر دانشی استوار است که جامعه‌شناسان محض، آن را گرد آورده‌اند، به این امید که به کارگیری آن دانش به حل مسائل اجتماعی کمک کند. برای مثال، جامعه‌شناسی محض، می‌خواهد به علل اساسی شورش‌ها و اغتشاشات نژادی پی ببرد. درحالی‌که جامعه‌شناسی کاربردی، سعی دارد دانشی را که در این زمینه فراهم شده است به کار گیرد تا از ادامه شورش‌ها و اغتشاشات نژادی جلوگیری کند.

روش‌های ذهنی و عینی

در مطالعه رفتارهای بشری دو روش به کار می‌رود:

روش ذهنی، رفتار انسانی را از دیدگاه افراد شرکت‌کننده در آن بررسی می‌کند. در این روش، جامعه‌شناس، درخصوص رفتارهای فرد، علت آن رفتار و احساس او درباره آن رفتار، پرسش‌هایی را مطرح می‌کند. در روش عینی، جامعه‌شناس صرفاً به مشاهده کنش‌های مشارکت‌کنندگان می‌پردازد و داده‌ها را به طور منظم ثبت و ضبط می‌کند. در این روش تجربیات ذهنی افراد بررسی نمی‌شود.

تعریف فرهنگ

آنان که افراد جامعه را به دو گروه بافرهنگ و بی‌فرهنگ تقسیم می‌کنند، تصویری نادرست و عامیانه از جامعه دارند. از دیدگاه جامعه‌شناسی هیچ فرد بزرگسال و طبیعی، بی‌فرهنگ نیست فرهنگ را می‌توان به مجموع رفتارهای اکتسابی و مجموع ویژگی‌های اعتقادی اعضای یک جامعه معین، تعریف کرد. کلمه اساسی و مهم در تعریف یادشده، اکتسابی بودن است که فرهنگ را از رفتارهای برخاسته از وراثت و ویژگی‌های زیستی، متمایز می‌کند.

تمایز فرهنگ از جامعه

جامعه به گروهی از انسان‌ها اطلاق می‌شود که در طول هزاران سال با یکدیگر زندگی کرده و در سرزمین معینی سکونت گزیده‌اند و سرانجام خود را به‌عنوان یک واحد اجتماعی، متمایز از گروه‌های دیگر سازمان داده‌اند. افراد هر جامعه همچنین فرهنگ مشترکی نیز دارند. ممکن نیست که فرهنگی جدا از جامعه و جامعه‌ای جدا از فرهنگ باشد؛ هر جا که جامعه‌ای وجود دارد، فرهنگ ناظر بر آن نیز وجود دارد.

ارتباط نمادی

یکی از ویژگی‌های خاص انسان، توانایی و مهارت او در برقراری ارتباط با دیگران، به عالی‌ترین و پیچیده‌ترین وجه است. استعداد بسیار تکامل‌یافته انسان در برقراری ارتباطات نمادی، اکتساب فرهنگ را آسان و انتقال فرهنگ را از نسلی به نسل دیگر ممکن می‌کند. جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان هر دو، بر این عقیده‌اند که چنانچه انسان استعداد و مهارت وسیع فراگیری زبان و برقراری ارتباط با دیگران را نداشت، نمی‌توانست به حیات خود ادامه دهد. ارتباط نمادی آدمیان، به سه شیوه اساسی صورت می‌گیرد:

- ۱- شیوه نخست "زبان گفتاری" است که عبارت است از: الگوهای صوتی و معانی پیوسته به آن. زبان گفتاری، آموزش و ارتباطات را آسان می‌کند.
- ۲- دومین شیوه ارتباطات، "زبان نوشتاری" است که عبارت است از: ثبت تصاویری از گفتار. این نوع زبان، آموزش و حفظ میراث فرهنگی را تسهیل می‌کند.
- ۳- سومین روش، "زبان جسمانی" است که از ادب عامیانه گرفته شده است و به‌معنای برقراری ارتباط با حرکات دست و صورت و به‌طور کلی با ایما و اشاره است.

هنجارهای فرهنگی

هنجارهای فرهنگی، معیارهای رفتار ثابتی هستند که گروه به‌لحاظ فکری و رفتاری از افراد خود انتظار دارند یا آن‌ها را تأیید می‌کند. این انتظارات و رفتارهای حاصل از آنها، غالباً از فرهنگی به فرهنگ دیگر تغییر می‌کند. هنجارهای فرهنگی صورت‌های مختلفی به‌خود می‌گیرد. که برخی از آن‌ها به شرح زیر هستند:

- ۱- ارزش‌ها: احساسات ریشه‌دار و عمیقی که اعضای جامعه در آنها شریک هستند این ارزش‌ها رفتار و اعمال جامعه را تعیین می‌کند.
- ۲- آداب و رسوم: به آن دسته از شیوه‌های رفتاری عادی اطلاق می‌شود که در جامعه رواج دارد.
- ۳- عرف: عبارت است از رسومی که ویژگی‌های معناداری از رفتارهای درست و نادرست را دربر می‌گیرند. عرف هر جامعه، در نظام حقوقی و آموزش‌های مذهبی آن متبلور می‌شود. "قوانین" بخشی از عرف هستند که به‌صورت قواعد و مقررات درآمده‌اند. هرکس برخلاف این مقررات رفتار کند، با مجازات روبه‌رو خواهد شد.
- ۴- قوانین: عبارتند از قواعد رفتار که توسط مرجعی سیاسی برقرار گردیده و به‌وسیله قدرت دولتی دارای پشتوانه یا ضمانت اجرایی (تنبیه و مجازات) است.

فرهنگ آرمانی و فرهنگ موجود

بسیاری از رفتارهایی که در نزد عموم مردم، شدیداً محکوم و نهی شده است، به مقیاس وسیع، در مکان‌های خصوصی و خلوت رواج دارد. فرهنگ آرمانی، آن است که الگوهای رفتاری آشکار و رسماً تأیید شده را دربر می‌گیرد درحالی‌که فرهنگ موجود (واقعی) آن چیزی است که عملاً بر جامعه حاکم است. کمتر اتفاق می‌افتد که عملکردهای کنونی مردان و زنان جامعه با الگوهای آرمانی رفتار، برای مدت‌زمانی طولانی متفاوت باقی بماند.

سازمان فرهنگ

هر فرهنگ به شیوه نظام‌یافته‌ای سازمان می‌یابد تا امکان روابط متقابل و موثر را برای افراد و گروه‌ها فراهم کند. "عنصر فرهنگی" به کوچک‌ترین واحد فرهنگ اطلاق می‌شود که ممکن است یک عبارت، شی، حرکت یا نماد باشد.

"مجموعه فرهنگی" به مجموعه پیچیده‌ای از عناصر منسوب به فرهنگ برمی‌گردد.

"نهاد" نظام روابط اجتماعی الگوشده و سازمان‌یافته‌ای است که در قالب آن، کارکردها و برآوردن نیازهای ضروری فردی و گروهی میسر می‌شود. همه جوامع بشری برای انجام کارکردهای ضروری و تامین نیازهای حیاتی اعضای گروه خود، پنج نهاد اساسی اجتماعی را بنیاد نهادند. این نهادهای پنج‌گانه عبارتند از: نهادهای خانوادگی، پرورشی، سیاسی، اقتصادی و دینی. افزون‌بر آن، جوامع جدید، نهادهای دیگری را نیز به فهرست یادشده افزوده‌اند، برای مثال در آمریکا، نهاد نظامی و نهاد تفریحی نیز بر این مجموعه افزوده شده‌اند. "خرده‌فرهنگ" گروهی کوچک‌تر از جامعه و منسوب به فرهنگی وسیع‌تر است، چرا که بسیاری از هنجارها و موازین فرهنگ بزرگ‌تر را می‌پذیرد، اما از سوی دیگر، متمایز از فرهنگ مادر نیز هست؛ زیرا برخی هنجارها و قواعد خاص خود را دارد. "ضد فرهنگ" به گروه‌هایی اطلاق می‌شود که با هنجارها و موازین فرهنگ غالب در جدال بوده و آن را شدیداً طرد می‌کند. برای این‌که فرهنگ به شکل موثر عمل کند و اهداف جامعه را نیز تامین کند باید عناصر مختلف آن به‌خوبی با یکدیگر هماهنگ باشند. "وحدت فرهنگ" انسجام سازمانی و عملیاتی همه عناصر و مجموعه‌های فرهنگی است که کارکرد واحدی دارند.

قوم‌مرکزی (Ethnocentrism)

این واژه، توسط سامنر در علوم اجتماعی مطرح گردید. قوم‌مرکزی، گرایشی است که برحسب آن، افراد جامعه فرهنگ خود را برتر از فرهنگ دیگران می‌پندارند. عادات و سنن، غالباً ما را به استفاده از وجهه‌نظریهای اجتماعی ریشه‌دار، به قوم‌مرکزی ترغیب می‌کنند. به این ترتیب، هنگامی که اعضای یک گروه درباره دیگران به داوری می‌نشینند، غالباً قوم‌مرکزی، آن‌ها را به احساس "خودبرتربینی" سوق می‌دهد. قوم‌مرکزی، این فایده را دارد که احساس مشروعیت گروه، وفاداری، میهن‌دوستی و ملیت‌خواهی فرد را تقویت می‌کند افزون بر آن قوم‌مرکزی با حفظ وضع موجود، به منزله نیروی مقاوم در برابر دگرگونی‌ها نیز به کار می‌آید.

قوم‌مداری یا قوم‌مرکزی، رفتاری اجتماعی و طرز تلقی عاطفی‌ای است که به رجحان‌بخشیدن و ارزش‌نهادن مفرط به آن گروه‌های اجتماعی محلی یا ملی که شخص به آن تعلق دارد، می‌انجامد. در این دیدگاه کم ارزش خواندن فرهنگ‌ها و تمدن‌های متفاوت، مستهجن تلقی کردن آنان با توجه به آداب و رسوم و عادات گروه خویشتن که بهنجار قلمداد می‌شود و معیار داوری قرار می‌گیرد، وجود دارد که سرانجام به پیدایش عقاید قالبی، تصاویر ذهنی از پیش‌ساخته و خرافات درباره مردم یا نژادهای دیگر می‌انجامد که خود یکی از عوامل عدم تفاهم و کشمکش‌های بین جوامع است.

در یک جامعه فراگیر و گسترده از نوع جدید که در آن گروه‌های متعدد و متفاوت و گاه نژاد و ملل گوناگون با یکدیگر زندگی می‌کنند، اکثر پدیده‌های مرتبط با قوم‌مداری تجلی می‌نماید و تفاوت‌های اقتصادی و نوع زندگی بین این گروه‌ها نیز پیدایش این پدیده را رونق می‌بخشد. بدین‌سان در داخل یک تمدن خاص، خرافات نژادی و مذهبی پدید آمده با طرز تلقی‌های تنگ‌نظرانه قوم‌مرکزی، به‌منصه ظهور می‌رسند. انسان‌شناسان؛ قوم‌مداری را در گروه‌های قبیله‌ای به کار می‌برند درحالی‌که جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی، غالباً این اصطلاح را به افکار و احساسات درون گروهی که به‌وسیله گروه‌های مذهبی، اقتصادی، نژادی، کاستی و طبقاتی موجود در درون نظام‌های اجتماعی بزرگ‌تر، به‌نمایش درمی‌آید، نسبت می‌دهند.

در سال‌های اخیر در نوشته‌های علوم اجتماعی عبارت «نسبت فرهنگی» یا نسبی‌گرایی فرهنگی «Cultural relativism» به‌عنوان مفهومی متضاد قوم‌مداری به کار گرفته شده است و مقصود از آن، این است که اجزا یک فرهنگ را با اجزاء فرهنگ دیگر نمی‌توان مقایسه کرد، زیرا اجزا هر فرهنگی با ارزش‌ها و معیارهای کلی فرهنگی که به آن تعلق دارد قابل بررسی است، بنابراین فرهنگ‌ها قابل رجحان دادن بر یکدیگر نیستند. جامعه‌شناسانی چون ر.م.ک ایور و پیچ معتقدند کسی که زندگی اجتماعی را مطالعه کند باید هنگام تجزیه و تحلیل شیوه‌های زندگی گروه‌های مختلف مراقب باشد تا جهت‌گیری ناشی از قوم‌مداری او را منحرف نسازد و در تحقیقات جامعه‌شناختی خود از اصل نسبت فرهنگی پیروی نماید.

نسبیت فرهنگی

چنانچه فرهنگ‌های گروه‌های دیگر را تنها به‌اعتبار انگیزه‌ها و ارزش‌های خود، تجزیه و تحلیل کنیم، فهم الگوهای رفتاری آنها تقریباً غیرممکن می‌شود. داوری درباره معنی و ارزش هر عنصر فرهنگی را باید در نسبت با زمینه فرهنگی آن عنصر، صورت داد. شاید یک عنصر فرهنگی که برای ثبات یک جامعه زیانبار است، برای ثبات جامعه‌ای دیگر ضروری و حیاتی باشد. ارزش هر رسم، بسته به سهمی است که در فرهنگ مربوط به خود دارد.

ضربه فرهنگی

فردی که تحت‌تأثیر محیط فرهنگی بیگانه است در میان مردمی زندگی می‌کند که در باورهای اساسی خود با او وجه اشتراکی ندارند، دچار ضربه فرهنگی می‌شود.

دگرگونی فرهنگی

هرچند مردم نسبت به رهاکردن سنت‌ها، ارزش‌ها و آداب و رسوم خود برای قبول سنت‌ها، ارزش‌ها و رسوم تازه سختگیرند، کمتر فرهنگی است که در طول تاریخ دگرگونی‌هایی را به‌خود نپذیرفته باشد. بدیهی است که روش‌ها و حد این دگرگونی‌ها متفاوت بوده است. هر جا که عناصر جدید و مجموعه‌هایی نو در فرهنگ ظاهر شوند و بدین‌سان محتوا و ساخت فرهنگ را عوض کنند، دگرگونی فرهنگی رخ می‌دهد. مقاومت در برابر دگرگونی، هنگامی بیشتر آشکار می‌شود که این دگرگونی‌ها با انحراف شدید از ارزش‌های سنتی مرسوم، همراه باشد.

واپس‌ماندگی فرهنگی (تأخر فرهنگی)

این مفهوم توسط «ویلیام اگ برن» جامعه‌شناس آمریکایی مطرح گردید. هر فرهنگ را می‌توان به عناصر مادی و غیرمادی آن تقسیم کرد. غالباً دلایلی ارائه می‌شود مبنی بر اینکه معمولاً دگرگونی در حوزه‌های مادی فرهنگ رخ می‌دهد. ظاهراً مردمان دگرگونی در تکنولوژی را که جزئی از حوزه مادی فرهنگ است، می‌پذیرد، حال آنکه کمتر هنجارها، ارزش‌ها، باورها یا سازمان اجتماعی خود را تغییر می‌دهند. نتیجه این ناهماهنگی، واپس‌ماندگی فرهنگی است و آن هنگامی رخ می‌دهد که عناصر غیرمادی فرهنگ، سعی دارند وضعیت خود را در میان عناصر مادی و سریع‌التحول فرهنگ حفظ کنند.

فرهنگ‌پذیری

گاه اتفاق می‌افتد که یک عنصر فرهنگی از فرهنگ دیگری گرفته می‌شود، این فرایند «فرهنگ‌پذیری» نامیده می‌شود در چنین وضعیتی، فرهنگ‌هایی که با یکدیگر تماس مستقیم دارند هر دو دچار دگرگونی می‌شوند درعین حال، این دگرگونی ممکن است در یک فرهنگ خیلی عمیق‌تر از فرهنگ دیگر باشد.

سرچشمه دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی

به نظر می‌رسد که تکنولوژی، مهم‌ترین عامل دگرگون‌ساز فرهنگی است. دگرگونی‌های سریع تکنولوژیک، بیشتر در کشورهای صنعتی پیشرفته رخ می‌دهد. انتظار می‌رود که هرچه دگرگونی‌های تکنولوژیک، سرعت و شتاب بیشتر پیدا کنند، دگرگونی‌های فرهنگی ناشی از آن، بیشتر شوند، دیگر عوامل موثر بر میزان و سرعت دگرگونی را می‌توان به‌قرار زیر برشمرد:

دگرگونی در محیط طبیعی: دگرگونی‌های ناگهانی و شدید، در محیط طبیعی کمتر رخ می‌دهد اما در صورتی که رخ دهند، تأثیر آنها معمولاً عمیق خواهد بود، برای مثال، دگرگونی‌های ناشی از یک زمین‌لرزه شدید، منجر به دگرگونی‌های وسیعی در محیط می‌شوند. غالباً دگرگونی‌های محیط طبیعی، به قدری کند و آرام رخ می‌دهد که تأثیر آنها بر محیط اجتماعی نمود بسیار کمی دارد.

دگرگونی در جمعیت: هرگونه دگرگونی عمده در شمار و توزیع جمعیت یک کشور همواره دگرگونی‌های اجتماعی متناسب با خود را به دنبال دارد. افزایش جمعیت ممکن است منجر به مهاجرت و یا بهبود وضع تولید گردد و این به خودی خود ممکن است به دگرگونی اجتماعی بینجامد.

نیازهای شناخته‌شده

شرط دگرگونی اجتماعی این است که جامعه نیازهای خود را بشناسد. نیازها جنبه روانی و ذهنی دارد و همین که اوضاع عوض شود نیازهای تازه پدیدار گردد. جنبه شناختی یک فرهنگ، عبارت از باورها، اسطوره‌ها، ایدئولوژی‌ها، ارزش‌ها، دیدگاه‌ها و دانش‌ها است. جنبه فنی (مادی) هر فرهنگ شامل مهارت‌های فنی، هنرها، ابزار، وسائل و اشیاء مادی دیگری است که اعضای آن جامعه از آن استفاده می‌کنند. قواعد سازمانی را شیوه‌های زندگی مردم، آداب و رسوم، قوانین و نقش‌هایی تعیین می‌کنند که به پایگاه‌های مختلف آن فرهنگ وابسته هستند. همچنین قواعد سازمانی شامل مقررات، نظام‌ها و آیین‌هایی است که انتظار می‌رود اعضای گروه هنگام فعالیت‌های روزمره زندگی، از آنها پیروی کنند.

پایگاه و نقش

پایگاه: به موقعیت اجتماعی و جایگاهی اطلاق می‌شود که فرد در گروه و یا در مرتبه اجتماعی یک گروه، در مقایسه با گروه‌های دیگر احراز می‌کند. پایگاه و موقعیت اجتماعی فرد، حقوق و مزایای شخص را تعیین می‌کند.

نقش: به رفتاری اطلاق می‌شود که دیگران از فردی که پایگاهی معین را اشغال کرده است، انتظار دارند. نقش‌های مناسب به صورت بخشی از فرایند اجتماعی شدن به فرد آموخته می‌شود و سپس او، آنها را می‌پذیرد.

پایگاه انتسابی و اکتسابی

پایگاه انتسابی، از آغاز تولد به فرد محول شده، عمدتاً بر زمینه‌های خانوادگی نوزاد استوار است. جنسیت، دین، نژاد، ثروت و معیارهای اجتماعی همگی از طریق والدین و خانواده به فرد منتقل می‌شود. به این ترتیب، پایگاه انتسابی فرد، بر نسب او مبتنی است و نه بر شایستگی‌های فردی و نه آن چیزی که از طریق کار و کوشش به دست آورده است.

پایگاه اکتسابی به موقعیتی اطلاق می‌شود که براساس تلاش و کاری که فرد از خود برود داده یا استعدادها و مهارت‌هایی که فرد از خود نشان داده است، استوار است.

بی‌ثباتی و تضاد پایگاه اجتماعی

از حیث تاریخی، در اکثر جوامع، پایگاه‌هایی که افراد در گذشته به دست می‌آوردند، نسبتاً پایدار و ثابت بود. شغل فرد، تعلق قومی و طبقه‌ای و... همگی با یکدیگر متناسب و هماهنگ بود. با وجود این، در جوامع صنعتی جدید که پایگاه‌ها هم جنبه انتسابی و هم اکتسابی دارند، فرد می‌تواند تعداد بسیاری پایگاه را در یک زمان از آن خود کند. به این چنین موقعیتی «ناهمسانی پایگاهی» گفته می‌شود. کسانیکه در پایگاه‌های ناهمسان و احیاناً متضاد قرار می‌گیرند، ممکن است با هماهنگ کردن خود با هریک از پایگاه‌های متعارف و انکار وابستگی خود به پایگاه پایین‌تر واکنش نشان دهند یا به کلی در هویت پایگاه خود سرگردان و معذب باقی بمانند.

نقش‌های نمونه

کسانی را که ما به عنوان افراد خاص، ارزش می‌نهمیم و رفتار آنها را سرمشق قرار می‌دهیم، نقش آنها برای ما الگو است. بدین سان وقتی فرد، نقش معینی را ایفا می‌کند، رفتار خود را با توجه به نقشی که برایش الگو است برمی‌گزیند. نقش‌های نمونه در فرایند آموزش بسیار اهمیت دارند، زیرا فرد را با الگوهای رفتاری پذیرفته‌شده در موقعیت‌های مختلف آشنا می‌سازند.

نقش محول و نقش محقق

شیوه ایفای نقش، طبق انتظارات جامعه را نقش محول می‌نامند. برخی افراد همواره مطابق با انتظارات دیگران رفتار نمی‌کنند، اما درعین‌حال نقشی را که جامعه به آن‌ها محول کرده، انجام می‌دهند. نقش محقق، روشی است که فرد در عمل در ایفای یک نقش معین به کار می‌برد. مسلم است که هیچ‌کس در قالب نقش‌های محول خود باقی نمی‌ماند، بلکه میان نقشی که به او محول می‌شود و نقشی که در عمل ایفا می‌کند، مغایرت‌هایی به‌دلایل زیر به‌وجود می‌آید:

- عدم شناخت صحیح فرد از آنچه ایفای یک نقش اقتضا می‌کند.
- تمایل فرد به عدم انطباق نقش خود با الزامات و انتظارات دیگران.
- ناتوانی فرد در ایفای صحیح یک نقش.

دلسردی از نقش

به ویژگی فردی که نقش خاصی را به‌رغم میل و احساس شخصی، ایفا می‌کند "دلسردی از نقش" گفته می‌شود. این وضع هنگامی رخ می‌دهد که آن نقش الویت خاصی در زندگی فرد ندارد و شخص به‌جای آنکه نقش را بپذیرد، آن را تنها به قصد رفع تکلیف انجام می‌دهد. ایفای نقش در چنین حالتی، غالباً همراه با فشارهای روانی است و این تا جایی ادامه دارد که فرد «الویت‌های» خود را تغییر داده و نقش خود را به‌عنوان امری مثبت‌تر، از نو پذیرا شود.

فشار نقش

گاه اتفاق می‌افتد که فرد در انجام نقشی که از او انتظار می‌رود دچار مشکل می‌شود و این به‌دلیل تعارض نقش‌ها و وظایف و توقعاتی است که در قبال آن نقش وجود دارد. به‌این وضعیت «فشار نقش» گفته می‌شود. این تعارضات ممکن است هنگامی ظاهر شوند که طرف مقابل نقش، انتظارات متفاوتی از دارنده نقش دارد، یا زمانی که شخص پایگاهی را اشغال می‌کند که مستلزم یک سلسله الگوهای رفتار متفاوتی است که در آن لحظه، ممکن است در تعارض با یکدیگر باشند.

تعارض نقش‌ها

فردی که دارای دو یا چند نقش مستلزم رفتاری متناقض است، دچار تعارض نقش‌ها است. در جوامع جدید صنعتی که عضویت در گروه‌های متعدد از ویژگی‌های آن است، از بیشتر افراد انتظار می‌رود که به الزامات بیش از یک نقش، پاسخ گویند و بسیار ممکن است که انجام این نقش‌ها توأم با تعارض نقش‌ها باشد. اختلال فکری و بی‌نظمی، ثمرات دیگر چنین وضعی هستند حتی در مورد یک نقش نیز ممکن است فرد دچار تعارض شود.

شبکه نقش‌ها

هنگامی که فرد در قبال پایگاه اجتماعی معینی، مسئولیت‌هایی را می‌پذیرد تا حدی در شبکه پیچیده‌ای از نقش‌ها درگیر می‌شود که همگی در پیوند با پایگاه فرد هستند. مفهوم شبکه نقش‌ها، به‌مجموعه روابط و مناسباتی اطلاق می‌شود که شخص با افراد دیگری که با آن‌ها در تماس است، برقرار می‌کند؛ در همان حال او نقش‌های مختلف دیگری را که با پایگاه ویژه‌ای مطابقت دارد، باید به انجام برساند.

نمایش یا بازی نقش‌ها

فردی که آگاهانه سعی می‌کند نقشی را به‌طور کامل انجام دهد تا دیگران را تحت‌تاثیر قرار دهد، یک نقش نمایشی را ایفا می‌کند. شخصی که یک نقش نمایشی را برعهده می‌گیرد، اشخاصی را که با او سروکار دارند را معمولاً حضار و یا تماشاگرانی تلقی می‌کند که مراقب ایفای نقش او هستند. هرگاه فرد کوشش آگاهانه‌ای به‌عمل آورد تا تصویر مطلوبی را از خود نشان دهد و این تصویر را حضار یا مخاطبین بپذیرند، شاید بتوان گفت که او به‌هدف نقش نمایشی خود رسیده است.

جامعه‌پذیری یا اجتماعی شدن^۱

اجتماعی شدن فرایندی است که به انسان راه‌های زندگی کردن در جامعه را می‌آموزد. به او شخصیت می‌دهد و ظرفیت‌های او را در جهت ایفای وظایف فردی به‌عنوان عضو جامعه، توسعه می‌بخشد و در آغاز زندگی، کودک از دیگران فرا می‌گیرد که چه رفتارهایی از او انتظار می‌رود و او دارای چه نوع شخصیتی است. در تعریفی دیگر، به فرایندی اطلاق می‌شود که به‌موجب آن، افراد، ویژگی‌هایی را که شایسته عضویت آنها در جامعه است را کسب می‌کنند. به عبارت دیگر، جامعه‌پذیری، نوعی فرایند کنش متقابل اجتماعی است که در خلال آن، فرد، هنجارها، ارزش‌ها و دیگر عناصر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی موجود در گروه یا محیط پیرامون خود را فرا گرفته، درونی کرده و آن را با شخصیت خود یگانه می‌سازد.

از ابعاد مهم جامعه‌پذیری که موردنظر دولت‌هاست، جامعه‌پذیری سیاسی است. جامعه‌پذیری سیاسی، روندی آموزشی است که به انتقال هنجارها و رفتارهای پذیرفتنی نظام سیاسی مستقر، از نسلی به نسل دیگر کمک می‌کند و هدف از آن تربیت یا پرورش افراد به‌صورتی است که اعضای کارآمد جامعه سیاسی باشند. اگرچه در فارسی مفاهیم جامعه‌پذیری و اجتماعی شدن معادل یکدیگر به کار می‌روند لکن از نظر هربرت بلومر اجتماعی شدن به معنی ذوب شدن و یکی شدن و جافتادن در جامعه کلان است و تنها بعد از جامعه‌پذیری است که فرایند اجتماعی شدن می‌تواند رخ دهد. نخستین بار این واژه توسط جورج زیمل به کار گرفته شد.

مراحل جامعه‌پذیری

جامعه‌پذیری در دو مرحله کلی صورت می‌پذیرد:

- الف) جامعه‌پذیری نخستین (Primary Socialization):** فرایندی است میان فرد و گروهی که با وی در تماس نزدیک و صمیمی هستند و غالباً در سال‌های اولیه زندگی، رخ می‌دهد. عوامل اصلی این مرحله خانواده و گروه همسالان هستند.
- ب) جامعه‌پذیری ثانوی یا مجدد (Secondary Socialization):** این فرایند در وضعیت‌های رسمی‌تر روی می‌دهد ولی هیچ‌یک از این وضعیت‌ها شخصی نیست. در این مرحله عوامل جامعه‌پذیری بخشی از مسئولیت‌های خانواده را برعهده می‌گیرند. عوامل اصلی در این مرحله، مدرسه و رسانه‌های ارتباط جمعی هستند.

عوامل و کارگزاران جامعه‌پذیری

عوامل جامعه‌پذیری گروه‌ها یا زمینه‌های اجتماعی می‌باشند که فرایندهای مهم جامعه‌پذیری در آنها به وقوع می‌پیوندد. مهم‌ترین این عوامل عبارتند از:

- ۱- خانواده: خانواده، مسئولیت جامعه‌پذیری کودکان را در سال‌های اولیه و حیاتی زندگی برعهده دارد.
- ۲- گروه همسالان^۲: گروه همسالان بیشترین نفوذ را در دوره نوجوانی اعمال می‌کند.
- ۳- رسانه‌های ارتباط جمعی: رسانه‌های جمعی، مانند تلویزیون، فیلم، کتاب و ... نقش بسیار مهمی در القای ارزش‌های جامعه به افراد دارند.
- ۴- مدرسه: مدرسه عاملی است که به‌طور رسمی توسط جامعه موظف به اجتماعی کردن نوجوانان در زمینه مهارت‌ها و ارزش‌های خاصی گردیده است.

عناصر اساسی جامعه‌پذیری

جامعه‌پذیری افراد مستلزم سه عنصر اساسی است:

- الف) کنش متقابل انسانی:** فرد تنها در جریان کنش متقابل با دیگر انسان‌ها، الگوهای رفتاری را یاد گرفته و درونی می‌کند.

۱- Socialization

۲- Peer Group

ب) زبان: زبان به انسان‌ها اجازه می‌دهد که فرهنگ را بیافرینند، تجربه‌ها را انباشته کنند و شیوه‌های رفتاری‌شان را از نسلی به نسل دیگر انتقال دهند.

ج) تجربه‌پذیری عاطفی: یادگیری شیوه ابراز احساسات و روابط عاطفی، عنصری لازم برای یادگیری و انتقال ارزش‌های فرهنگی است.

کارکردهای جامعه‌پذیری

کارکردهای اصلی جامعه‌پذیری عبارتند از:

- ۱- زمینه انتقال فرهنگ جامعه، از یک نسل به نسل بعد فراهم می‌شود و بدین شکل بقای جامعه و استمرار آن تضمین می‌گردد.
- ۲- با توسعه توانایی‌های شناختی (درک کردن، به‌خاطر سپردن، استدلال کردن، محاسبه کردن، باورداشتن و ...) و استعدادهای عاطفی (عشق، تنفر، همدردی، اعتماد و حسد) شخصیت فرد شکل می‌گیرد و کمال می‌یابد.
- ۳- رسوم، عادات و آرزوهای افراد، شکل می‌یابد.
- ۴- فرد با شیوه‌های پذیرفته‌شده زندگی اجتماعی، آشنایی پیدا می‌کند و می‌آموزد که نیازهای خویش را به شیوه‌های قابل قبول جامعه برآورد.
- ۵- ارزش‌ها و باورهای اساسی جامعه را در ذهن متمرکز و آنها را درونی می‌کند.
- ۶- مهارت‌هایی را که برای زندگی در جامعه ضروری است، کسب می‌کند.
- ۷- با دیگران به‌گونه موثری ارتباط برقرار می‌کند و نقش‌های اجتماعی، نگرش‌ها، انتظارات و گرایش‌های وابسته به آن و همچنین هنجارها، ارزش‌ها، زبان‌ها، عقاید و الگوهای فکری و عملی را فرا می‌گیرد.

جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی^۱

جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی هر دو از وسایل تحقق نظم اجتماعی و مکمل یکدیگر هستند. در جامعه‌پذیری، معیارهای جامعه به افراد آموزش داده می‌شود و سپس جامعه از طریق کنترل اجتماعی نظارت دائمی بر رفتار افراد برقرار می‌کند که مطابق با معیارهای جامعه، رفتار نمایند. کنترل اجتماعی مربوط است به تنظیم رفتار افراد بالغی که مرحله جامعه‌پذیری را گذرانده‌اند ولی هنوز هم گرایش به عدول از تطابق با ملاک‌های هنجاری جامعه دارند.

افراد بشر با درونی‌سازی فرایند اجتماعی شدن، می‌آموزند که چگونه به نیازهای زیستی خود به‌نحوی که از لحاظ اجتماعی پذیرفتنی باشد، پاسخ گویند. بدین‌سان نیازهای زیستی مانند تشنگی، گرسنگی و نیازهای جنسی به‌شیوه‌هایی ارضا می‌شوند که به باورها، ارزش‌ها و هدف‌های فرهنگی پذیرفته شده، لطمه نزنند.

دیگری تعمیم‌یافته

دیگری عام (تعمیم‌یافته)، مفهومی است که جورج هربرت مید آن را برای ترکیبی از انتظارات و توقعات که فرد گمان می‌کند دیگران از او دارند به‌کار می‌برد. درواقع شخص خود را به‌نحوی می‌سنجد که گویی شخص دیگری است. فرد با فرایند "نقش‌پذیری" و "بازی کردن نقش" از دیگری تعمیم‌یافته، خودآگاهی بیشتری می‌یابد.

منش ملی

منش ملی به "الگوی رفتارها" و وجهه نظرهایی که بر فرهنگ تسلط دارد، اطلاق می‌شود و ترکیبی است از چند صفت و ویژگی شخصیتی و صفاتی که می‌توان آن‌ها را به‌طور مشترک بین اعضای جامعه یا فرهنگ یافت. معمولاً منش ملی فقط یک الگو یا رفتار خاصی را نشان می‌دهد زیرا همه افراد جامعه در همه این خصلت‌ها مشترک نیستند. ممکن است برخی ویژگی‌های بیشتر و برخی صفات کمتری را دارا باشند. جامعه‌شناسان ضمن مطالعه گروه‌های اجتماعی سه نوع گروه بنیانی را از یکدیگر مشخص کرده‌اند:

۱- Social Control

نوع اول: هرگونه تجمع انسانی است که افراد در کنار هم قرار گرفته باشند به آن "تجمع" یا "جمع" نیز گفته می‌شود.
نوع دوم: گروه، به تعدادی از افراد اطلاق می‌شود که ویژگی‌های مشترکی دارند (مقوله یا رده).
نوع سوم: عبارت است از تعداد افرادی که در نوعی الگوی سازمان‌یافته از روابط متقابل و منظم سهیم هستند.

نهادهای اجتماعی (Social Institution)

نهادهای اجتماعی عبارتند از: الگوی رفتار منظم و با دوام پیچیده‌ای که به وسیله آن، کنترل اجتماع صورت می‌گیرد.
دورکیم، نهاد را مجموعه‌ای از اصول و مقررات می‌داند که در جامعه بنیان‌یافته و بر رفتار فرد ناظر است، به طوری که سرپیچی از آنها مشکل و گاهی غیرممکن می‌باشد. از نظر مارسل موس، نهادهای اجتماعی اعمال و افکار اجتماعی هستند که فرد در بدو تولد با آن مواجه می‌شود و انتقال این اعمال و افکار از طریق آموزش، صورت می‌گیرد. به اعتقاد مالینوفسکی، نهاد اجتماعی از اجزا واقعی فرهنگ است که دارای ویژگی چون دوام، عینیت و استقلال است.

اگبرن و نیم کف، نهاد اجتماعی را مجموعه‌ای از پویای اجتماعی می‌دانند که ناظر بر هدف یا هدف‌ها و کارکردهای معینی می‌باشد. نهادهای اجتماعی بر اثر نیازهای جامعه به وجود می‌آیند و به دو دسته "نهادهای نخستین یا اصلی" و "نهادهای ثانویه" تقسیم می‌شوند. نهادهای اصلی برای رفع نیازهای اصلی و حیاتی به وجود آمده‌اند، مثل نهادهای خانواده، دولت و آموزش و پرورش. برخی از ویژگی‌های نهادهای اصلی یا نخستین عبارتند از:

- ۱- همگانی بودن و عمومیت داشتن، ۲- حیاتی و اساسی بودن، ۳- قدیم بودن (قدمت داشتن)، ۴- همیشه وجود داشتن (تداوم) و ۵- به کندی تغییر کردن
- دو وجه اصلی نهادها عبارتند از: "ساخت" و "کارکرد".
- ساخت اجتماعی عبارتند از: وضعیت ناشی از تعادل و هماهنگی نسبتاً پایدار بین اجزا و عناصر تشکیل‌دهنده یک کل اجتماعی.
- کارکرد نیز عبارتند از: نتایج و آثار عینی و قابل مشاهده نهاد اجتماعی.

تفاوت نهاد اجتماعی و موسسه

اگر محتوای موسسات را از قالب و مکانی که این محتوا در آن، صورت می‌گیرد جدا سازیم تفاوت نهاد و موسسه مشخص می‌شود. مثلاً سندیکای کارگری یک موسسه است، درحالی که آیین و رویه‌هایی که در آن، کارگران دست به مبارزه می‌زنند، محتوای موسسه و در نتیجه نهاد، محسوب می‌شود.

تفاوت نهاد اجتماعی و مراسم

این تفاوت در میزان عمومیت و شناخت عمومی نهاد در جامعه است. مثلاً ازدواج نهاد است؛ اما شیوه‌های همسرگزینی مراسم نامیده می‌شود.

گروه‌های اجتماعی (Social Groups)

منظور از گروه‌های اجتماعی مجموعه‌ای از افراد است که روابط قوی و نسبتاً پایداری با هم دارند؛ در بعضی از عقاید و احساسات با هم شریکند؛ دارای کنش متقابل اجتماعی بوده و هدف‌های مشترکی را دنبال می‌کنند.
مهم‌ترین ویژگی‌های گروه اجتماعی عبارتند از:

- ۱- هدف یا اهداف مشترک ۲- احساسات و عواطف مشترک ۳- ارتباط متقابل ۴- کنش متقابل اجتماعی ۵- تداوم نسبی.
- چارلز هورتون کولی، گروه را به دو دسته "گروه‌های نخستین" و "گروه‌های ثانویه" تقسیم می‌کند. روابط افراد در گروه نخستین، بسیار نزدیک و صمیمانه است. خانواده، گروه‌های خویشاوندی، کودکان همبازی در یک محل، گروه همسایگی در جوامع سنتی و گروه‌هایی نظیر اینها، از جمله گروه‌های نخستین هستند. روابط افراد در گروه‌های ثانویه رسمی‌تر، غیرصمیمانه‌تر و کم‌دامنه‌تر است. سازمان‌های اداری، تجاری و سیاسی از جمله گروه‌های ثانویه هستند.

گروه‌های اختیاری و غیراختیاری

در برخی موارد، فرد گروهی را انتخاب می‌کند که شخصاً به عضویت در آن علاقه‌مند است. به این نوع گروه، گروه اختیاری یا ارادی می‌گویند. با وجود این، گاهی افراد بدون انتخاب خود در گروهی قرار می‌گیرند. به این گروه‌ها، گروه‌های غیراختیاری گفته می‌شود.

عوامل تعیین‌کننده رفتار اجتماعی

نیل اسملسر، شش شرط را به‌عنوان عوامل اولیه و تعیین‌کننده رفتار جمعی ذکر کرده است:

۱- **زمینه ساختاری:** به معنای این است که ساختار جامعه باید به‌گونه‌ای باشد که شکل خاصی از رفتار جمعی در آن به‌وقوع بپیوندد. در جوامعی که ابراز اندیشه، مباحثات، جدل‌ها، عدالت‌خواهی، اعتراضات، تظاهرات و مبارزه سیاسی ممنوع است، رشد و نمو و بیان خودانگیخته قوای حسی، هیجانی و فکری افراد جامعه، محدود و سرکوب می‌شود. این وضعیت زمینه مساعدی را برای پرورش رفتار خودانگیخته در میان افراد جامعه فراهم می‌سازد.

۲- **فشار ساختاری:** هنگامی که فشاری بر جامعه تحمیل می‌شود، مردم اغلب برای یافتن راه‌حلی پذیرفتنی، به همکاری با یکدیگر ترغیب می‌شوند. زمانی که در جامعه‌ای وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تحمل‌ناپذیر می‌شود مردم غالباً درباره این وضع با یکدیگر بحث می‌کنند و هرکس راه‌هایی را برای حل آنها ارائه می‌دهد. از طرفی در چنین وضع طاقت‌فرسایی، اکثر افراد جامعه دچار تعارض‌های روانی ناشی از واپس‌زدگی می‌شوند. این تعارضات روانی، افراد جامعه را دچار عذاب و ناراحتی روانی می‌کند و آنها را به سرپیچی از نظم حاکم متمایل می‌سازد. حس تخریبی آنها برانگیخته و زمینه برای دست‌زدن به اقدامات قهرآمیز فراهم می‌شود.

۳- **باور تعمیم‌یافته:** قبل از اینکه راه‌حلی دسته‌جمعی برای یک مسئله یافت شود باید همه بپذیرند که چنین مسئله‌ای وجود دارد، بنابراین مسئله باید شناخته شود و افکار عمومی به آن توجه کنند و راه‌حل‌های ممکن برای آن ارائه گردد. هنگامی که قدرت اقتصادی حکومت تحلیل می‌رود و هیچ اصلاحی برای اوضاع تحمل‌ناپذیر، صورت نمی‌گیرد، جامعه درمی‌یابد که قدرت مادی دولت برای مقابله با دشواری‌هایی که گریبان‌گیر جامعه شده، افول کرده است. در چنین وضعیتی امید جامعه برای بهبود اوضاع به یاس بدل می‌شود و جامعه به این نتیجه می‌رسد که باید از راه‌های سیاسی و یا به‌شیوه‌ای قهرآمیز حکومت را تحت فشار قرار دهد.

۴- **عوامل شتاب‌دهنده:** برای ظهور رفتار جمعی باید نخست رویداد مهمی، افراد را به واکنش جمعی وادارد. این رویداد خاص، اغلب با شایعه، مبالغه‌آمیز می‌شود و در نتیجه به‌صورت چشمگیرتری جلوه می‌کند. در نقطه‌ای از پایتخت تظاهراتی ضد گرانی ارزاق عمومی، صورت می‌گیرد؛ پلیس برای پراکنده کردن تظاهرکنندگان وارد عمل می‌شود، تظاهرکنندگان با پلیس به برخورد و مقابله می‌پردازند؛ دو نفر کشته و عده‌ای دستگیر می‌شوند؛ خبر کشته شدن دو نفر و دستگیری بسیاری دیگر در جامعه پخش می‌شود؛ جامعه از وضع موجود ناراضی است با این خبر روح اعتراض همگانی برانگیخته می‌شود؛ به این ترتیب این حادثه چاشنی یک انفجار می‌شود.

۵- **بسیج برای اقدام:** هنگامی که رویداد شتاب‌دهنده رخ داد یک گروه برای اقدام بسیج می‌شود. این نوع سازمان که اعضای آن با شتاب گرد آمده‌اند، بسیار، بی‌ساختار است و بافت منسجمی ندارد. به‌دنبال کشته شدن و دستگیری تظاهرکنندگان، جامعه به محیطی بحرانی بدل می‌شود و روح اعتراض عمومی اوج می‌گیرد. در نقاط مختلف، اعتراضات خودجوش با نمودهای پراکنده و نامتشکل صورت می‌گیرد و به موجی از اعتراضات در جهت رویارویی عمومی در برابر حکومت تبدیل می‌شود. در این حالت رهبرانی از میان جمعیت برمی‌خیزند و جنبش را هدایت می‌کنند. این رهبران، مردم را علیه حکومت بسیج می‌کنند، جمعیت به‌طور یکپارچه شعار و فریادهای خشم‌آلود سر می‌دهند و با نیروی سرکوبگر، برخورد خشن‌تری می‌کند.

۶- **عملیات کنترل اجتماعی:** موفقیت یا عدم موفقیت تلاش‌های جمعی افراد، عمدتاً به موفقیت یا شکست مکانیزم‌های کنترل اجتماعی در جامعه بستگی دارد. این مکانیزم‌های کنترل اجتماعی، از جمله پلیس و نیروهای انتظامی و رسانه‌های همگانی، با هم نتیجه رفتار جمعی را تعیین می‌کند. اگر مکانیزم کنترل اجتماعی جامعه (پلیس و نیروهای انتظامی) به حد کافی، قوی باشد

جنبش سرکوب می‌شود، اما اگر جنبش به شهرهای دیگر سرایت کند پیام جمعی علیه دولت چنان قوی می‌شود که نیروی دولتی سرکوبگر، یارای مقابله با آن را نخواهد داشت.

شایعه

شایعه، پیامی است که به‌طور وسیع میان افراد، رد و بدل می‌شود، اما معمولاً از واقعیت به دور است. هنگامی که افراد به‌شدت مشتاق کسب خبر درباره چیزی هستند، اما نمی‌توانند اطلاعات موثقی به‌دست آورند، مستعد پذیرش شایعه‌ها می‌شوند. چنین شایعاتی اگر پیش‌دآوری‌های افراد را تایید و یا نفرت آنها را توجیه کنند، امکان گسترش بیشتری نیز می‌یابد.

جماعت

جماعت به گروهی از مردم اطلاق می‌شود که در یک جمع گردهم می‌آیند، با یکدیگر مرتبطند و به جنب‌وجوش می‌پردازند. به تعبیر دیگر، جماعت، گروه متجانس و موقتی است که به اقتضای وضع یا حادثه‌ای خود به خود به‌وجود می‌آید و در اثر کنش‌های متقابل، دارای رفتار مشترکی می‌شود. افراد به این علت در یک جماعت گرد هم می‌آیند که به موضوع، اندیشه، رویداد و یا شخص خاصی علاقه مشترک دارند. این علاقه، محرک مشترکی برای اعضای جماعت است.

مشخصات کلی جماعت

- الف) جماعت: اجتماعی سازمان‌یافته نیست، به این معنا که فاقد ساختار یا سلسله مراتب موفقیت و کارکردهاست.
- ب) در جماعت: با وجود مجاورت مکانی، تماس اجتماعی محدود و دور است.
- پ) بسیاری از جماعات، موقتی هستند و اشخاص برای مدت محدودی به جماعت وارد و از آن خارج می‌گردند؛ مثل افرادی که برای تماشای مسابقه فوتبال وارد استادیوم شده و سپس از آن خارج می‌شوند.
- ت) در میان کسانی که در جماعت به سر می‌برند، تفاوت‌های رفتاری کم‌رنگ است.

انواع جماعت

جماعت نمایشی: جماعتی است که مایل است احساسات مشترک اعضایش را بیان کند، اما این احساسات را به‌نحوی نسبتاً مهارشده آشکار می‌سازد. تماشاچیان یک مسابقه فوتبال و شرکت‌کنندگان در یک گردهمایی سیاسی، نمونه‌ای از جماعت نمایشی هستند.

جماعت فعال: جماعتی است که برای ایجاد نوعی تغییر، واکنش‌های خود را در جهت هدف یا فرد خاصی متوجه می‌کند و برای رسیدن به هدف، خود به خشونت متوسل می‌شود. یک گروه تظاهرکننده، یک گروه آشوبگر لینچ‌کننده و یک گروه شورشی نمونه‌هایی از جماعت فعال هستند.

جماعت عامه: عامه یا "جماعت نامجاور" با دیگر انواع جماعت بسیار متفاوت است. از این لحاظ می‌توان آن را جمعی مستقل از جماعت به‌شمار آورد. جامعه‌شناسان واژه "عامه" را برای عده‌ای از افراد به‌کار می‌برند که نگرانی مشترکی نسبت به یک عامل تهدیدگر دارند. عامه، جمعی است کم‌تجانس، مرکب از افرادی که گاهی در جایی گرد هم آمده و گاه در پراکندگی به‌سر می‌برند و به سبب منافع و مصالح مشترک، با هم مرتبط هستند و عقیده و وفاق عمومی را به‌وجود می‌آورند. عامه با آن که مانند دیگر جماعات، بر عواطف مشترک استوار است جنبه "ادراکی" نیرومندی نیز دارد، زیرا اعضای این جماعت درباره امور مشترک و مطلوب خود با وسائل ارتباطی گوناگون به تبادل عقاید می‌پردازند و بر اثر بحث و انتقال به عقیده و وفاق عمومی دست می‌یابند. از آنجا که اعضای این جماعت، منافع و مصالح نسبتاً پایداری دارند این نوع جماعت بیشتر از جماعات دیگر دارای دوام است؛ اما چون ضعف عاطفی بر این نوع جماعت حاکم است تجانس آن نیز ضعیف است.

هیستری جمعی

هنگامی که گروهی از افراد کنترل خود را از دست می‌دهند و دست به رفتارهای هیجانی و غیرمنطقی می‌زنند، می‌توان حالت عارض به آنها را "هیستری جمعی" لقب داد. در این حالت که امکان رفتار عقلانی یا منطقی از افراد سلب می‌شود، آن‌ها دچار هراس شده و بنابراین رفتار غیرمنطقی همدیگر را تقویت می‌کنند.

تصورات قالبی

تصورات قالبی، باورهای تعمیم‌یافته‌ای هستند که در مورد برخی از اقلیت‌های مذهبی، نژادی و قومی، ساخته و پرداخته می‌شوند. اعضای این اقلیت‌ها، ویژگی‌های شخصیتی و الگوهای رفتاری خاص و از پیش تعیین‌شده‌ای از خود نشان می‌دهند. بنابراین تصورات قالبی، در برابر استدلال مخالف، سخت مقاومت می‌کنند و فردی که دچار باورهای قالبی است همواره در موقعیتی قرار می‌گیرد که ناچار از رجوع به تعصب‌های خویش است.

پیش‌داوری (Prejudice) و تبعیض

پیش‌داوری وجه‌نظر و احساس شخص نسبت به اعضای یک گروه اقلیت است، درحالی‌که تبعیض به الگوی رفتار آشکار در قبال آن گروه اقلیت اطلاق می‌شود. پیش‌داوری یعنی قضاوت کردن و بنابراین فرد پیش‌داوری‌کننده، مفروضات خاصی را در مورد یک عضو اقلیت، قبل از آنکه او را ملاقات کند در سر دارد. تبعیض می‌تواند از نتایج پیش‌داوری باشد و رفتاری است که طی آن، یک گروه، راه دستیابی گروه دیگر به منابع کمیاب را می‌بندد یا در رسیدن به آن موانعی ایجاد می‌کند. البته همیشه پیش‌داوری به تبعیض منجر نمی‌شود.

ریشه‌ها و عوامل پیش‌داوری

اساسی‌ترین عوامل پیش‌داوری موارد زیر می‌باشند:

- ۱- عوامل شناختی پیش‌داوری:
تصورات قالبی^۱، عواطف، طبقه‌بندی اجتماعی و تجانس برون‌گروهی و درون‌گروهی
- ۲- عوامل اجتماعی پیش‌داوری:
رقابت، سپر بلاکردن، منافع اقتصادی و هم‌رنگی
- ۳- عوامل انگیزشی و روان‌شناختی پیش‌داوری:
۱- توجیه رفتار خود؛ ۲- شخصیت اقتدارطلب یا استبدادی (Authoritarian Personality)

عناصر و شیوه‌های ابراز پیش‌داوری

پیش‌داوری به‌عنوان یک نگرش، دارای سه عنصر اساسی است. عنصر شناختی که به‌صورت تصورات قالبی و کلیشه‌ای است. عنصر عاطفی که به‌صورت حس قدرتمندی از خصومت است و عنصر رفتاری که می‌تواند به‌شکل رفتارهای مختلف وجود داشته باشد، گاهی جزئی و در مواقعی دیگر آشکار است.

آلپورت پنج نوع این شیوه‌ها را به‌صورت زیر بیان کرده است:

- ۱- تحقیر گفتاری: گفتگوی خصمانه، بدگویی یا ناسزاگویی، گفتن جک‌های قومی و نژادی.
- ۲- اجتناب: فاصله گرفتن و دوری جستن بدون هیچ‌گونه اعمال آزار رساننده.
- ۳- تبعیض: وقتی تجلی تعصب، تبعیض باشد، فرد متعصب سعی می‌کند تمام اعضای گروه موردنظر را از مزایای خاصی از قبیل استخدام، سکونت، حقوق سیاسی، فرصت‌های تحصیلی و ... محروم سازد.

۱- Stereotype

۴- حملات فیزیکی: خشونت بر ضد فرد یا سرمایه او.

۵- انقراض: خطرناک‌ترین نوع تعصب براندازی یا نابودسازی است که منجر به خشونت علیه یک گروه متجانس می‌گردد، مثل کشتار دسته‌جمعی.

انواع پیش‌داوری

پیش‌داوری بسته به این که بر چه مبنایی (نژاد، جنس، مذهب و ...) شکل گرفته باشد می‌تواند انواع مختلفی داشته باشد که مهم‌ترین آنها عبارتند از: نژادپرستی^۱، پیش‌داوری و تعصب جنسی^۲، پیش‌داوری و تعصبات مذهبی و قوم‌مداری^۳ می‌باشد.

جداسازی: جداسازی، هنگامی رخ می‌دهد که گروه مسلط، گروه‌های نژادی، دینی، یا قومی دیگر را به زیستن در مناطق مسکونی جدا از محل سکونت گروه مسلط وا می‌دارد. این گروه‌ها همچنین از برخورداری از وسائل و تسهیلات و خدمات خاص گروه مسلط، مانند مدرسه، بیمارستان، هتل و یا اتوبوس محروم می‌گردند. در بسیاری از موارد، کیفیت خانه‌ها و تسهیلاتی که به گروه اقلیت اختصاص می‌یابد، بسیار نازل‌تر از انواع مورد استفاده گروه مسلط است.

هماندسازی: همانندسازی، ادغام کامل دو فرهنگ مختلف غالباً از طریق ازدواج متقابل به یک فرهنگ و هویت است که شامل ویژگی‌های هر دو فرهنگ باشد. در فرایند همانندسازی، فرهنگ‌ها در هم می‌آمیزند و هویت جداگانه‌شان را از دست می‌دهند.

اختلاط: اختلاط، به ازدواج میان گروه‌های نژادی مختلف اطلاق می‌شود. نتیجه این فرایند، ظهور نوع جدیدی افراد، با ویژگی‌های جسمی منحصر به فرد است.

چندگرایی فرهنگی: "چندگرایی" یا "تکثر فرهنگی"، به شکلی از انطباق اطلاق می‌شود که گروه‌های نژادی و قومی مختلف کنار هم زندگی می‌کنند و درحالی که هر قوم یا نژاد، رسوم خود را حفظ می‌کند شیوه زندگی اقوام دیگر را نیز می‌پذیرند.

همگونگی: همگونگی به نوعی ترتیب اجتماعی گفته می‌شود که گروه‌های مسلط و اقلیت در آرامش و هماهنگی در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند. در یک جامعه حقیقتاً یگانه، همه گروه‌ها به‌طور یکسان حق دسترسی به نهادهای سیاسی مذهبی اقتصادی و آموزشی را دارا هستند.

واکنش‌های گروه اقلیت: اقلیت به شیوه‌های گوناگون، نسبت به سلطه‌گری و تبعیض اعمال‌شونده از سوی گروه مسلط واکنش نشان می‌دهند.

فرهنگ‌پذیری: در فرایند فرهنگ‌پذیری، گروه اقلیت، فرهنگ و سبک زندگی گروه مسلط را پذیرفته و اقتباس می‌کند. فرایند فرهنگ‌پذیری به‌طور معمول برای گروه‌های اقلیت، دشوار است؛ زیرا غالباً افراد در انتخاب میان فرهنگ مادری و فرهنگ جدید در حالت تعلیق باقی می‌مانند. در بسیاری از موارد نتیجه این می‌شود که شخص هیچ‌یک از این دو فرهنگ را به‌طور کامل نپذیرفته و به کار نمی‌بندد.

خودجداسازی: اعضای گروه اقلیت از طریق جداسازی داوطلبانه، خود را از سایر اعضای جامعه، جدا نگاه می‌دارند. آنان با این شیوه می‌توانند برای خود محیطی مجزا و در کنار آن تسهیلاتی به وجود آورده و در کنار اینها رسوم و سنن خود را نیز حفظ کنند.

جدایی‌طلبی: گاه گروه اقلیت از طریق جدایی‌طلبی، یک جامعه جدید ایجاد می‌کند. این جامعه جدید معمولاً با ایجاد مرز، از بقیه جامعه جدا می‌شود.

۱- Racism

۲- Sexism

۳- Ethnocentrism

انواع جنبش‌های اجتماعی

جنبش نمایشی: هنگامی که افراد خود را در وضعیت مایوس‌کننده‌ای می‌بینند، جنبشی نمایشی پدید می‌آید. افرادی که در جنبش اجتماعی از نوع نمایشی آن، شرکت می‌کنند، می‌خواهند به مردم بگویند که بینش آنها نسبت به یک واقعیت نامطلوب اجتماعی، تغییر یافته است اما خود، عملاً این واقعیت را دگرگون نمی‌سازند. جنبش هیپی‌گری و جنبش‌های احیای مذهب از نمونه‌های جنبش نمایشی هستند.

جنبش واپس‌گرا یا ارتجاعی: جنبش واپس‌گرا تلاش می‌کند که جامعه را به وضعیتی در گذشته بازگرداند. افرادی که به این جنبش‌ها می‌پیوندند، آشکارا از رویه‌های جاری اجتماعی ناراضی هستند.

جنبش ترقی‌خواهانه: جنبش ترقی‌خواه جنبشی است که تلاش می‌کند با ایجاد تغییرات مثبت در نهادها و سازمان‌ها، وضع جامعه را بهبود بخشد. جنبش‌های کارگری، جنبش‌های طرفدار آزادی‌های اجتماعی، جنبش‌های طرفدار حفظ محیط زیست از جمله جنبش‌های ترقی‌خواهانه هستند.

جنبش محافظه‌کار: جنبش محافظه‌کار مرکب است از افرادی که از وضع موجود راضی هستند و در برابر نوآوری‌ها مقاومت می‌کنند. جنبش محافظه‌کار تلاش می‌کند از تغییر در جامعه جلوگیری نماید. افرادی که از این نوع جنبش طرفداری می‌کنند، وضعیت موجود جامعه را مطلوب‌ترین وضعیت می‌دانند.

جنبش اصلاح‌طلب: این جنبش تلاش می‌کند که برخی از شئون جامعه را تغییر دهد، بدون آنکه قصد دگرگونی کامل جامعه را داشته باشد. این جنبش‌ها بدون اینکه بخواهند نظام اجتماعی موجود را از بیخ و بن دگرگون سازند، می‌خواهند یکی از جنبه‌های آن را که به‌زعم ایشان، نیازمند بازنگری و اصلاح است، تغییر دهند.

جنبش انقلابی: این نوع جنبش، خواستار تغییر سریع و بنیادی در جامعه است. هدف جنبش انقلابی سرنگون‌سازی نظام حاکم و جایگزین‌سازی یک نظام دیگر است.

جنبش آرمان‌گرا: این نوع جنبش، کوششی است به‌منظور ایجاد محیط اجتماعی ایده‌آل برای گروه‌کوچک و پیروان آن. جنبش‌های آرمانی، گاهی به جنبش‌های انزواطلب یا جدایی‌طلب اطلاق می‌شود.

جنبش کوچنده: افرادی که به این نوع جنبش می‌پیوندند، از وضع موجود محیط زندگی‌شان ناراضی بوده و به امید زندگی و آینده روشن‌تر، از محل سکونت‌شان به مکانی دیگر نقل مکان می‌کنند.

نکات:

- ۱- علوم بشری بر سه دسته: علوم مادی، علوم اجتماعی و علوم حیاتی تقسیم می‌شود.
- ۲- اجزا تشکیل‌دهنده نظریه در علوم اجتماعی عبارتند از: مفهوم، مدل و فرضیه.
- ۳- از نظر ماکس وبر، جامعه‌شناسی علمی است که سعی در تفسیر و درک و تفهیم کنش انسان نموده تا بتواند به تبیین علمی سیر کنش اجتماعی و نتایج آن نائل آید.
- ۴- در علوم انسانی، معمولاً جامعه‌شناسی را مطالعه جنبه‌های کمی و مردم‌شناسی را مطالعه جنبه‌های کیفی حیات اجتماعی انسان می‌دانند.
- ۵- مردم‌شناسی به مطالعه زندگی اجتماعی و روابط اقوام محلی و گروه‌های نژادی و فرهنگی می‌پردازد مانند مطالعاتی که در مورد ایلات و عشایر و ساکنین جزایر دورافتاده و اسکیموها به عمل آورده است. اما امروزه، مردم‌شناسان، آداب و سنن جامعه‌های شهری را نیز مطالعه می‌کنند. امروزه محور مردم‌شناسی «شناخت فرهنگ» است.
- ۶- منابع علمی نظریه‌پردازان تحول‌گرای اجتماعی عبارتند از: منابع فلسفی به جای مانده از دوران باستان.
- ۷- گروه‌های نخستین، برخلاف گروه‌های ثانویه، گروه‌هایی هستند که به طور طبیعی تا حدی پایدارند، معمولاً کوچک و محدودند و بین اعضای خود روابط صمیمانه و چهره به چهره دارند.
- ۸- "فرهنگ یکپارچه"، فرهنگی است که عناصر و مجموعه‌های پیچیده آن پیوند نزدیکی با یکدیگر دارند، چنانکه دگرگونی در یک مجموعه موجب دگرگونی مجموعه‌ای دیگر در کل فرهنگ می‌شود.
- ۹- از طریق نهادی شدن، رفتارهای خودانگیخته و پیش‌بینی‌ناپذیر جای خود را به رفتار نظام ساخته و پیش‌بینی‌پذیر می‌دهند.
- ۱۰- در عرصه فرهنگ، "ابداع" عبارت است از: به کارگیری عناصر قدیمی یک فرهنگ و ایجاد یک پدیده نو.
- ۱۱- فرهنگ‌پذیری در جریان مهاجرت‌های بین‌المللی، فرهنگ‌پذیری از نوع انتقال ناآگاهانه است.
- ۱۲- منش ملی (National Character) عبارت است از: الگوی مرکبی از کل ویژگی‌های شخصیتی یک ملت.
- ۱۳- نظارت اجتماعی، سازوکارهایی قانونی است که جامعه آن را برای وادار کردن اعضایش به سازگاری و انطباق با جامعه و دلسرد کردن آن‌ها از ناسازگاری به کار می‌گیرد.
- ۱۴- "امید به زندگی" در علوم اجتماعی عبارت است از: مدت عمر مورد انتظار یک نوزاد در جامعه.
- ۱۵- مفهوم شایعه عبارت است از: پیامی که میان مردم پخش می‌شود اما پایه‌اش بر حقیقت استوار نیست.

سؤالات چهارگزینه‌ای تألیفی فصل اول

- ۱- شیوه‌های عادی رفتار را که در جامعه رواج دارد، چه می‌نامند؟
(۱) ارزش (۲) عرف (۳) آداب و رسوم (۴) قانون
- ۲- اصطلاح واپس‌ماندگی فرهنگی (تأخر فرهنگی) توسط چه کسی در علوم اجتماعی مطرح گردید؟
(۱) پارسونز (۲) ویلیام اگ برن (۳) تایلور (۴) مورگان
- ۳- کدام یک از عوامل اجتماعی پیش‌داوری نیست؟
(۱) رقابت (۲) هم‌رنگی (۳) سپر بلاکردن (۴) پذیرش نسبیت فرهنگی
- ۴- فرایند جامعه‌پذیری ثانوی یا مجدد معمولاً در چه وضعیت‌هایی است؟
(۱) وضعیت‌های صمیمی و دوستانه (۲) وضعیت‌های غیررسمی (۳) وضعیت‌های رسمی‌تر (۴) وضعیت رسمی و غیررسمی
- ۵- در مقابل عبارت «نسبت فرهنگی» یا نسبی‌گرایی فرهنگی از چه اصطلاحی در علوم اجتماعی استفاده می‌گردد؟
(۱) قوم‌مداری (۲) قومیت (۳) خاص‌گرایی (۴) فردگرایی
- ۶- اصطلاح قوم‌مرکزی (Ethnocentrism) توسط چه کسی در علوم اجتماعی مطرح گردید؟
(۱) سامنر (۲) تایلور (۳) مورگان (۴) مالینوفسکی
- ۷- کارکردهای جامعه‌پذیری شامل
(۱) زمینه انتقال فرهنگ جامعه، از یک نسل به نسل بعد.
(۲) رسوم، عادات و آرزوهای افراد شکل، می‌یابد.
(۳) ارزش‌ها و باورهای اساسی جامعه را در ذهن متمرکز و آنها را درونی می‌کند.
(۴) همه موارد

پاسفنامه سؤالات چهارگزینه‌ای تألیفی فصل اول

- ۱- گزینه «۳»
- ۲- گزینه «۲»
- ۳- گزینه «۴»
- ۴- گزینه «۳»
- ۵- گزینه «۱»
- ۶- گزینه «۱»
- ۷- گزینه «۴»

فصل دوم

جامعه‌شناسی خانواده

خانواده

خانوار

کلان

تعریف ازدواج

نظام‌های خویشاوندی

برون همسری – درون همسری

جامعه‌شناسی خانواده

خانواده

خانواده یک نهاد تاریخی است که به دنبال تقسیم کار سنی و جنسی و امکان کوچ در زندگی اولیه بشری پدید آمده است و در فضای عام‌تر، نخستین شکل زندگی اجتماعی انسان است. از دیدگاه مالینوفسکی منشأ خانواده در کارکرد آن و در تولید نسل مشروع خلاصه می‌شود.

خانوار

خانوار یک واحد آماری است مرکب از افرادی که در یک کانون زندگی می‌کنند، زیر یک سقف می‌خوابند، هم‌خرج هستند و دور یک سفره غذا می‌خورند.

تفاوت خانوار و خانواده

- ۱- شرط تشکیل خانوار، اقتصاد مشترک است ولی شرط تشکیل خانواده خویشاوندی است.
- ۲- مفهوم خانوار اعم از خانواده است.
- ۳- یک نفر، خانوار محسوب می‌شود اما برای تشکیل خانواده دست کم دو نفر لازم است.

کلان

کلان، گروهی است که براساس خویشاوندی استوار بوده و در عین حال جامعه‌ای سیاسی، اقتصادی و مذهبی به‌شمار می‌آید. در کلان همه افراد گروه اعتقاد به نیایی مشترک دارند. رسم ازدواج در کلان، برون‌گروه است. در کلان خویشاوندی معمولاً یک‌سویه است، یعنی افراد یا به کلان پدر خود تعلق دارند (پدر تبار)، یا به کلان مادر خود (مادر تبار).

ویژگی‌های کلان

خودمصرفی، برون‌همسری، خویشاوندی یک‌سویه، خویشاوندی توتمی و توتمیسم.

انواع خانواده

- ۱) **نظام پدرنامی:** نام خانوادگی فرزندان و سایر اعضای خانواده از سوی پدر یا خویشاوندان و تیره پدری مشتق می‌شود.
- ۲) **نظام پدرمکانی:** در این نظام زن و شوهر جوان پس از ازدواج به‌طور سنتی یا ترجیحی در خانه شوهر یا یکی از خویشاوندان او زندگی می‌کنند.
- ۳) **نظام مادرمکانی:** در این نظام زن و شوهر جوان پس از ازدواج، نزد خانواده زن یا یکی از خویشاوندان او زندگی می‌کنند.